

بررسی پدیدارشناسانه چهره زنان در سفرنامه‌های ایرانیان

فرامرز معتمدزفولی*
حسن محدثی گیلوایی**
علی زاهد***

چکیده

هدف این پژوهش بررسی پدیدارشناسانه چهره زنان در سفرنامه‌های ایرانیان به فرنگ رفته در قرن نوزدهم بود. جامعه آماری، سفرنامه‌های ایرانیانی بود که به فرنگ رفته و بر اساس تاریخ کتابت و تحریر، سه سفرنامه میرعبدالطیف شوشتری (۱۸۴۱ شمسی)، میرزاصالح شیرازی (۱۸۹۷ شمسی) و میرزاهادی علوی شیرازی (۱۸۹۳ شمسی) به عنوان نمونه انتخاب شدند. طرح پژوهش توصیفی - تحلیلی است که با روش کیفی و رویکرد پدیدارشناسانه مورد بررسی قرار گرفت. این سفرنامه‌ها بیانی از نخستین مواجهه ایرانیان با جهان جدید می‌باشند. بازنمایی تصویر زنان عصر جدید، یکی از مهم‌ترین عناصر معرفتی این سفرنامه‌هاست که با توجه به تحلیل صورت گرفته، نتایج نشان داد که: جامعه قاجاری جز تصویری از زن سنتی نمی‌شناخت، اما این سفرنامه‌ها با معرفی و تصویرپردازی از زن مدرن، مقدمات آشنایی و حضور فرهنگی و اجتماعی زنان را در آن جامعه به هنگام مشروطیت فراهم کردند. در این سفرنامه‌ها به همراه معرفی «زن فرنگی»، به بیان تحول نقش زنان، همسریابی، تغییر ساختار خانواده، مسائل زنان و عنصر توانایی زن مدرن در برابر زن سنتی مورد توجه آن‌ها قرار گرفت. چنان که هر کدام از سفرنامه‌نویسان با توجه به تجربه زیسته و پدیداری خود، این توانایی را در سه‌گانه ارزشی متفاوت «قباحت»، «بی‌عصمتی» و «کمال» درمی‌یابند. آن‌ها الگوی زن جدید را که به مقام سوژگی و خودمختاری رسیده، حامل یکی از این ارزش‌گذاری‌ها در تجربه پدیداری خود می‌بینند و در سفرنامه خود منعکس می‌کنند.

کلید واژگان: پدیدارشناسانه، چهره زنان، سفرنامه، ایرانیان.

* گروه جامعه‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

** گروه جامعه‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول، ایمیل: mohaddesi2011@gmail.com)

*** گروه فلسفه و کلام اسلامی، واحد دزفول، دانشگاه آزاد اسلامی، دزفول، ایران.

مقدمه

نخستین رویارویی و برخورد ایرانیان با دنیای جدید از منظر تاریخ اندیشه اجتماعی توسط مسافران و سفرنامه‌نویسان ایرانی به غرب در قرن نوزدهم پیش آغاز شد (آدمیت، ۱۳۵۱؛ میلانی، ۱۳۸۱؛ آبادیان، ۱۳۷۰). این آشنایی، آغاز اندیشیدن و تجدد در جامعه ایرانی بود (طباطبایی، ۱۳۸۵). سفرنامه‌های ایرانی اولین رسانه و انتقال‌دهنده مفاهیم عصر جدید و مدرنیته برای مخاطبان فارسی زبان خود در دو‌یست سال پیش بودند. این سفرنامه‌ها به شیوه‌های مختلف، توسط افراد گوناگونی به لحاظ موقعیت اجتماعی نوشته شدند و مخاطبان فارسی زبان و برخی از زمام‌داران را مورد توجه و ترغیب قرار دادند (بهنام، ۱۳۸۶: ۲۷). در این سفرنامه‌ها مخاطبان با دنیای جدیدی رویارو و مواجهه می‌شدند که به کلی با دنیا و سرزمین آنان متفاوت بود (قانون پرور، ۱۳۸۴). عمق تفاوت و فاصله به حدی بود که اینان جز حیرت و شگفتی و اعجاب از این دنیای نو و اکنش و سخنی نمی‌توانستند داشته باشند (طباطبایی، ۱۳۸۶). دنیای جدیدی که شورمندانه و کنجکاوانه و با حوصله‌ای عجیب گزارش‌اش را می‌دادند، چنان پر جلال و شکوه و متنوع و متکثر بود که قدرت تحریر و توان نوشتن را به گفته خودشان از آن‌ها ستانده بود (معمدزفولی، ۱۳۹۱: ۲).

این سفرنامه‌نویسان با تصویری که از آن سرزمین از فرنگ به مثابه یک آرمان‌شهر برای آن‌ها می‌آوردند، امکان چشم‌گشودن و کشف خود و هویت ایرانی در دو‌یست سال پیش بود را رقم می‌زد. «سفرنامه‌های فرنگ از غنی‌ترین منابع فارسی زبان برای ارزیابی فرنگ‌شناسی، نگرش به دگرفرنگی و پدیداری نحوه‌های هویت‌سازی و اصالت‌پردازی فرهنگی است. در رویارویی با فرنگ، سیاحان به جستجوی شباهت‌ها و تفاوت‌های خویش و دگرپرداخته، با ارایه تصویری پسندیده از فرنگ بنیاد تجدد و نوگرایی را فراهم آوردند. گزارش‌ها و روایت‌های فرنگ‌شناسان نقش به‌سزایی در گسترش دامنه و ژگانی زبان فارسی، دگرشناسی و خودشناسی داشتند. با درنگریستن به فرنگ و فرنگ‌یان، پارسی‌نگاران به شناسایی شگرفی‌ها، شگفتی‌ها، عجایب، بدعت‌ها و نوآوری‌های «فرنگان» پرداختند و در روند همانندسازی زمینه‌شهروندی^۱، حاکمیت مردم و حکومت قانون را فراهم ساختند» (توکل‌طرقی، ۱۳۹۶: ۱۵۶).

از مهم‌ترین عناصری که در این سفرنامه‌ها به بازنمایی و انکشاف از آن می‌پرداختند، تصویر^۲ و چهره‌نگاری زنان فرنگی و جایگاه اجتماعی آنان بود (نجم‌آبادی، ۱۳۹۶). این انکشاف، امکان مسأله‌مند شدن زنان در جامعه ایرانی و قاجاری را فراهم نمود و شرط رؤیت‌شدگی^۳ زنان را در آغاز جامعه قاجاری رقم زد. این تحولات مقدمات مشارکت بی‌سابقه زنان در جنبش‌های پیش‌رو هم چون جنبش تنباکو و مشروطیت فراهم آورد (مارتین^۴، ترجمه منفرد، ۱۳۸۹: ۱۷۲). شناخت تاریخ اجتماعی زنان که می‌تواند به بازآفرینی و تصویر زن در جامعه ایرانی کمک نماید (حجازی، ۱۳۸۵)، بی‌تردید نیاز به بررسی متون و آثاری دارد که در آغاز مواجهه ایران با تجدد تولید شدند و به قلم آمدند (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۰؛ اسکندری نژادی، ۱۳۸۷). این متون و آثار در نسبت دیگر متن‌ها با دیگر آثاری که درون سنت ایرانی به باز تولید چهره زن می‌پرداختند، معنی پیدا می‌کنند. البته در جستجوی جایگاه تصویر زنان در نشر این دوره می‌توان گفت: «حضور زنان در ادبیات مکتوب ایران، حضوری چشم‌گیر نیست و محقق می‌باید تکه‌های متعدد اطلاعات را در کنار هم

۱. Citizenship

۲. Portrait

۳. Visibility

۴. Martin

گذارد تا تصویری از زن در یک دوره تاریخی به دست آورد که شاید چندان هم کامل نباشد... اما در این دوره نثر فارسی هنوز ادامه سنت پیشینیان است و تحولی جدی در صورت و مضمون آن رخ نداده است، جایگاه و سیمای زن در نثر همان جایگاه سنتی و ادامه روند گذشته است (عاملی رضایی، ۱۳۸۹: ۳۳).

کراچی (۱۳۹۰) در پژوهشی که به فاصله زمانی سال‌های ۱۰۰۰ تا ۱۳۱۳ هجری قمری به دستنویس‌هایی با محوریت و بُن‌مایه زن در ادبیات و حکمت عملی می‌پردازد به لحاظ موضوعی در سه زیر گروه طبقه‌بندی می‌کند. این سه شیوه عبارتند از: ۱. متون ارشادی-تعلیمی، ۲. مکر زنان، ۳. متون تعلیمی‌اندرزی جدید، که بازنمایی این دوره از ادبیات مکتوب فارسی و نیز در ادبیات شفاهی که بحث از زن و ادبیات اخلاقی در میان است، اغلب با نگاهی کینه‌ورزانه، بیانی غیرمؤدبانه و باوری نامعقول روبه‌رو هستیم. دست‌نویس «آداب النسوان» که در کتابخانه برلین نگهداری می‌شود و نسخه چند صفحه‌ای «اصناف زنان» که به غلط به ابن سینا منسوب و در کتابخانه دانشگاه تهران است، از همین نمونه است (کراچی، ۱۳۹۰: ۱۱). «در ویژگی‌های کلی ادبیات اخلاقی تعلیمی-اندرزی می‌توان از نگاه جنسیتی جامعه و نگاه بدبینانه‌ای که از امام محمد غزالی (۱۴۵۰ق) تا خانلر میرزا احتشام‌الدوله (۱۲۷۱ق) در این نوع ادبیات تداوم داشته و زن را در دایره بسته سخت‌گیر در تیر رس تعلیماتی ناتوان‌کننده، اطاعت‌پذیر و بدون تفکر قرار داده است. هم‌چنین نوع زبان تحکمی و دستوری در این نوع ادبیات است؛ زبانی که نشان از تسلط قوی بر ضعیف دارد، زبان امرکننده مرد به زن و تأثیر آن در سنت‌های رفتاری که به جای ایجاد تفاهم در روابط، باعث تضاد می‌شود» (نقل از کراچی، ۱۳۹۰: ۳۲). همین برداشت را باز در تحقیقی دیگر که به این نوع آداب النسوان و یا رساله النسوان در این دوره می‌پردازد، مشاهده می‌شود «تأکید خاص بر «احوال زنان» و نکوهش آنان در قالب نفی «جنس زن»، ... و توجه نقش زنان در خرابی به همه ملک جهان، تحلیل‌های زن‌ستیزانه از شخصیت «حوا» و نقش او در هبوط آدم-انسان.» (باغدار دلگشا، ۱۳۹۶: ۸).

با تحولات سیاسی اجتماعی که در آغاز دوره قاجار و مواجهه جدی جامعه ایرانی از طریق جنگ‌های ایران و روسیه صورت یافت، امکان شکل‌گیری گونه جدیدی از نوشتار و ژانر ادبی که ریشه در ادبیات اجتماعی ایران داشت با نام سفرنامه‌های ایرانیان به فرنگ فراهم شد (اصفهان‌ی، ۱۳۶۱؛ افشار، ۱۳۴۹؛ افشارقزوینی، ۱۳۸۰؛ ایلچی، ۱۳۶۴). برای همین توکلی طرقي (۱۳۹۶) باور دارد برای سفرنامه‌نویسان در رویارویی با زنان فرنگ و آشنایی با الگوهای متفاوت زنانگی و مردانگی، سیاحان فارسی زبان را به بازناندیشی جنسیت در فرهنگ خویش واداشت. در رویارویی با فرنگ، سیاحان به مقایسه رسوم خویش با الگوی نویافته در اروپا پرداختند. این مقایسه‌ها که به بازنگری نقش‌ها و فضاهای زنانه و مردانه انجامید، اهمیت خاصی در دگرگونی‌های جنسیتی و روند توانمندی زنان در دو سده گذشته دارد (توکلی طرقي، ۱۳۹۶: ۱۹۸). همان‌طور که ملاحظه می‌شود این تغییر معنایی و مفهومی در دوران مشروطیت و در ساخت‌های زبانی تحول از مفهوم «رعیت» به «مردم» و هم‌چنین جایگزینی مفاهیمی چون «زنان و خواهران» به جای الفاظ تحقیرآمیزانه‌ای چون ذلیل، ضعیف و کمینه صورت گرفته است (باغدار دلگشا، ۱۳۹۶: ۴).

روش

طرح پژوهش، جامعه آماری و روش نمونه‌گیری: طرح پژوهش حاضر توصیفی-تحلیلی و از نوع کتابخانه‌ای است (محمدپور، ۱۳۹۲). تحقیق با روش کیفی و رویکرد پدیدارشناسانه به بررسی و بازخوانی سفرنامه‌های ایرانی به فرنگ می‌پردازد. پدیدارشناسی رویکردی است که به تجارب دست اول و بیان

آن مواجهه با خود پدیدارهایی می‌پردازد (اسمیت و اسمیت^۱، ترجمه علیا، ۱۳۹۳: ۴۲). جامعه آماری در تحقیق حاضر سفرنامه‌های ایرانیان است که به فرنگ رفتند و انتخاب این سفرنامه‌ها به دلیل این است که معیار پژوهش جستن اولین مواجهه‌های ایرانیان با تصویر زنان در جامعه غربی می‌باشد. بنابراین بر اساس تاریخ کتابت و تحریر، سه سفرنامه میرعبدالطیف شوشتری (۱۸۰۵م/۱۸۴ش، فوت)، میرزاصالح شیرازی (۱۸۱۵م/۱۹۷ش) و میرزاهادی علوی شیرازی (۱۹۳ش/۱۸۱۳م) به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند که از نخستین سفرنامه‌های فارسی می‌باشند و در جزء متون مکتوب تاریخ تجدید قرار می‌گیرند.

روش اجرا

برای رسیدن به هدف این پژوهش، اطلاعات و داده‌های تحقیق با استفاده از منابع کتابخانه‌ای، جمع‌آوری و مطالبی که با موضوع پژوهش ارتباط بیشتری داشت، استخراج و فیش‌برداری شد.

یافته‌ها

سفرنامه تحفه العالم سید عبدالطیف شوشتری

سفرنامه تحفه العالم میرعبدالطیف شوشتری در سال ۱۸۴ شمسی نوشته شد و اولین متن مکتوب را به زبان فارسی روان و به دور از تکلف‌های رایج پیرامون شناخت تمدن جدید و تازه‌های آن، برای ایرانیان معاصر به ارمغان آورد.

- تربیت و آموزش عمومی دختران و حضور زنان در جامعه

شوشتری (۱۳۶۳) به ذکر آن چه احوال سلاطین فرنگ، تحولات جدید و اصلاح مذهبی می‌نامند، به قوانین آن «مردم با فرهنگ» می‌پردازد. تغییراتی که از شکل‌گیری علوم عقلی و فلسفی و از همه مهم‌تر اختراع دستگاه چاپ نشأت می‌گیرد و موجب تربیت عمومی و آموزش سواد و نشر دانش در میانه عامه و خصوصاً کودکان؛ چه پسر و چه دختر شده است و لذا او متعجبانه می‌نویسد: «از هر کتابی هزار مجلد تمام کردند، کتب که بسیار شدند به هر جماعتی از اصناف مردم به قدر ضرورت دادند، حتی به پیشه‌وران و مکتب‌داران، به جهت تربیت پسران و دختران که با هم به مکتب بروند» (شوشتری، ۱۳۶۳: ۲۶۲). در این میان اهتمام آنها بر تربیت و آموزش زنان به گونه‌ای عمومی است. هم چنین از حضور زنان در میان جامعه و زندگی روزمره آن جا خبر می‌دهد: «هر روزه دو وقت صبح و شام به همین نسبت زنان و مردان، سواره و پیاده، به تفرج از شهر بیرون روند و در باغ‌ها خوش گذرانند» (شوشتری، ۱۳۶۳: ۲۶۵). در شرح دید و بازدیدهای مردم در خانه‌های خود که باز حضور زنان جلوه‌ای ویژه دارد. در این تصویر زنان نه درون خانه‌ها و نه اندرونی‌ها، که بلکه حضور اجتماعی و عمومی در سطح مردان یافته‌اند و این تازه است (شوشتری، ۱۳۶۳: ۲۶۶).

- تغییر در ساختار ازدواج و آزادی در انتخاب همسر

تحولات ساختاری که در اروپا موجب شهرنشینی و مهاجرت روستاییان به شهرها شده بود، تحولات عمیقی را شکل داده بود، به طوری که سرمایه‌داری و جامعه صنعتی شهری رشد آن به سرعت اتفاقات تازه‌ای را

۱. Smith

درون جامعه و ساختارهای آن رقم زد. به طور مثال شیوه ازدواج امروزی و همسرایی و مفهوم عشق رمانتیک تقریباً پیش از دوران اخیر در غرب رواج نیافته بود و در اکثر فرهنگ‌های دیگر هرگز وجود نداشته است. تنها در دوران نوین است که عشق، ازدواج ... در پیوند نزدیک با یکدیگر در نظر گرفته می‌شود. در قرون وسطی و قرن‌ها بعد از آن، افراد اساساً برای باقی ماندن حق مالکیت یا دارایی در دست خانواده یا پرورش کودکان برای کار در مزرعه خانوادگی ازدواج می‌کردند (گیدنز، ترجمه صبوری، ۱۳۷۷: ۱۰).

شوشتری (۱۳۶۳) این تحول تاریخی و مستحدث را این چنین تبیین می‌کند؛ پیش از این «پرده پوشی زنان در فرنگ» (حجاب) به شیوه یونانیان قدیم بوده است. قبلاً «هرگاه زن را به شوهر می‌دادند دیگری او را نمی‌دید، حتی پدر و برادر، و از خانه قدم بیرون نمی‌گذازد تا جنازه او برمی‌آمد» (شوشتری، ۱۳۶۳: ۲۶۶) و لذا آنان حضوری چنین که اکنون می‌باشد هرگز نداشته‌اند. اما این «امر قبیح» پس از فتح آمریکا به فرانسه سرایت نمود و موجب بیرون آمدن زنان از «پس پرده احتجاب» در جامعه و در تمام اروپا شد.

- بهداشت عمومی و ثبت ولادت و ازدواج‌ها

از دیگر نکات قابل توجه ثبت و ضبط ولادت‌ها و ازدواج‌ها و سرشماری عمومی است که در هر ده و روستایی نویسنده‌ای معین برای آنجا نهاده‌اند تا آن که: «ولادت و کدخدایی و وفات مردم آن محله را به قید تاریخ ضبط کند، تا بر پادشاه و صاحب ملک و اعظم هر وقت معلوم شود که در قلمرو چقدر مرد و زن موجود است و هر کدام به چه سن‌اند» (شوشتری، ۱۳۶۳: ۲۸۴). نکته مهم‌تر آنکه امر زادن و تولد فرزندان را به اطبا سپرده‌اند و قابله‌ها نقشی ندارند؛ چرا که به دنیا آوردن فرزند و نگهداری از زائو طبق رسم به قابله‌ها که فاقد دانش طبابت بودند سپرده می‌شد. اما تغییر در چنین نقش و وظیفه‌ای از تغییری کلی در نظام سلامت آن دیار خبر می‌دهد و از این روی با توجه به باورهای سنتی و مألوف او نکته‌ای غریب است (شوشتری، ۱۳۶۳: ۲۹۷).

دلیل‌السفرا سفرنامه میرزا محمدهادی علوی شیرازی

سفرنامه دلیل‌السفرا شرح احوال سفر میرزا ابوالحسن ایلچی شیرازی سفیر ایران در سال (۱۱۹۳ش) به روسیه توسط منشی اش میرزا محمدهادی علوی شیرازی است. در این سفرنامه ده مقاله نسبتاً مفصل با جزئیات از زندگی و شئون روزمره مردان و زنان تا قوانین آن مملکت وجود دارد و گزارش شده است که یکی از مهم‌ترین سفرنامه‌های پر محتوا و مطلب آن دوران است.

- مراتب بی‌عصمتی و ضایع روزگاری زنان و دختران این طایفه

علوی شیرازی (۱۳۶۲) در نخستین مشاهده‌های خود می‌نویسد: «از مراتب بی‌عصمتی و ضایع روزگاری زنان و دختران این طایفه آنچه بیان شود، یک از هزار و اندک از بسیار بیان نشده، مرتبه بی‌عصمتی زنان روس، از جمیع قرال‌های فرنگ بیشتر است، و اعمال قبیحه در میان ایشان بیشتر از همه جا شیوع دارد» (علوی شیرازی، ۱۳۶۲: ۷۴). دلیل اصلی دریافت او از وضعیت نابهنجار زنان این سرزمین به مانند نویسنده شبنامه (گرمودی، ۲۵۳۶) آن است که: «اختیار زنان و دختران با خودشان هست و مرد تسلط به ایشان ندارد»

(علوی شیرازی، ۱۳۶۲: ۷۴). این دریافت نکته‌ای بود که مخالف تجربه زیسته او بود؛ چرا که در ایران ساختار سلسله‌مراتبی خانواده بر مبنای سنتی در دوران قاجار بسیار مستحکم و غیرقابل انعطاف بود: «مردان، و حتی پسران، صاحب اختیار بودند و بر زنان فرمان می‌راندند» (کدی^۱، ترجمه حقیقت‌خواه، ۱۳۸۷: ۳۵).

- مؤسسات جدید در پیرامون مسائل زنان

از مهم‌ترین امور و مشاهده‌های سفرنامه‌نویس دلیل‌السفرا که پیرامون آن مطلب نوشته است، مسائل زنان و امور خانواده بود که در غرب تبدیل به نهاد و مؤسسه گشته و به تأسیس و نهادسازی پرداخته‌اند. از مهم‌ترین نکاتی که پیوسته در این ساختار و مؤسسه وجود دارد، امنیت زنان و حفظ حرمت و عدم تحقیر این زنان می‌باشد. لذا برای جلوگیری از این مسئله، ضمن بیان ساختار زایچه‌ای و ثبت دفتر بهداشتی برای هر زن که در چهارچوب آن افراد تعریف می‌شوند، اشاره به مراحل ثبت و مشخصات مادر طفل و چندین مرتبه بودن وضع حمل آن می‌کند. این زنان حامله هنگامی که با زنگ درب، وارد می‌شوند و اعلام حضور می‌کنند: «به گوشه معینی رفته، اول رُقعہ نوشته به دست مادر می‌دهند، که این طفل چندم است که این سال آورده‌اند. آن رُقعہ را مادر ضبط می‌کند که هر وقت خواسته باشد، آمده طفل خود را می‌بیند و همان قسم رُقعہ هم بعد از وضع حمل روی تخته نوشته بالای گهواره طفل می‌گذارند که مادر وقت آمدن با رُقعہ خود مقابله می‌کند و می‌داند این طفل اوست» (علوی شیرازی، ۱۳۶۲: ۱۰۸). ساختار ثبت و ضبط مشخصات برای علوی شیرازی که قرنی بعد شناسنامه و ثبت احوال در مملکتش تأسیس می‌شود تازگی دارد، بخصوص که این ضبط و ثبت ربطی به نظام و ساختار بهداشتی افراد دارد. پس از وضع حمل تمام مشخصات ثبت می‌شود: «تاریخ وضع حمل، و پسر یا دختر بودن، و جا و مکان طفل، و به کدام دایه سپردن و کیفیت آن را همان ساعت ثبت برداشته نگاه می‌دارند، و مادر را به مکان خود می‌رود» (علوی شیرازی، ۱۳۶۲: ۱۰۸).

- ساختار دایگان و شیرخوارگان

از مهم‌ترین بخش‌ها که مورد توجه و ثبت در سفرنامه است، چگونگی تغذیه و شیرخوارگی آنها در این دوره است. برای این نوزادان، دایگانی را که می‌توانند به این کودکان شیر بدهند آماده نموده‌اند. این دایگان خود واجد مستمری سالانه از طرف حکومت می‌باشند و در صورت کمبود، می‌توانند در شرایط مشخص و ثبت شده و معلومی، اطفال را برای مدت یک سال در دهات خود نگهداری کنند: «در این خانه چهارصد نفر دایه شیره مستمری دارد، که هر یک، یک سال، نه ماه کمتر، بیشتر شیر به اطفال می‌دهند و همین که شیر آنها تمام می‌شود آنها را عوض و بدل می‌نمایند. و ... همیشه اوقات چهارصد دایه شیره حاضر است» (علوی شیرازی، ۱۳۶۲: ۱۰۸). اما نکته مهم دیگر در یافتن و مطلع شدن از ساختار اصلی این مجموعه است؛ ساختار پوششی و حمایتی که برای زنان بی‌سرپرست و یا دارای شوهر اما فقیر دارد. زنانی که از لحاظ زندگی و طبقاتی بی‌بضاعت‌اند و باردار: «در این جا مشخص شد که این مکان مختص زنان شوهردار بیچاره و فقیر است که هرگاه وقت وضع حمل آنها می‌شود و چیز ندارند که بتوانند صرف خود نمایند، در آنجا رفته وضع حمل می‌کنند و خدمتکاران متوجه احوال آنان می‌شوند» (علوی شیرازی، ۱۳۶۲: ۱۰۹). نکته دیگر مستمری است که به این زنان تا یک سال برای بزرگ نمودن فرزندانشان پرداخت

۱. Kadi

می‌شود: «و اخراجات به آنها از هر چیز می‌دهند تا در آنجا آن زنان اطفال خود را یک ساله می‌کنند، بعد برداشته به خانه‌های خود می‌برند» (علوی شیرازی، ۱۳۶۲: ۱۰۹).

– ساختار تربیتی کودکان، آموزش و تربیت دختران

در سن پترزبورگ در دیدار از خانه و مؤسسه‌ای که متکفل تربیت دختران است، علوی شیرازی (۱۳۶۲) با دقتی تمام به شرح آنجا همت می‌گمارد. دختران مورد تربیت در این مجتمع و تربیت‌خانه شبانه روزی همه مربوط به: «دختران بزرگان و دخترانی که پدرهای آنها در دعوای مقتول شده و دخترانی که پدر ندارند، و بی‌کس می‌باشند. این دختران به امر پادشاه آنها را تربیت می‌نمایند (علوی شیرازی، ۱۳۶۲: ۲۲۶). چنان چه علاوه بر آن، این شبانه روزی دختران بی‌بضاعت و بی‌سرپرست را هم در شمول خود دارد و مورد توجه و تربیت قرار می‌دهد. او می‌نویسد این مرکز دارای: «طاق‌های بسیار، چهار پنج طبقه ساخته شده، و وسعت بسیار دارد و تخمیناً نیم فرسخ بوده ... دالان‌ها بسیار طولانی که طول آنها هر یک هفتصد هشتصد، بلکه هزار قدم می‌شود» (علوی شیرازی، ۱۳۶۲: ۲۲۶).

به این دختران درس و سواد و آموختن حرفه می‌دهند: «چندین نفر معلم زن و مرد، ... آن‌ها را درس خواندن و نوشتن و آموختن زبان فرانسه و سایر زبان‌های دیگر و قاعده مذهب و ملت خود و آگاهی از جمع امور دنیا و تواریخی که از هر جا دارند و قانون و نظام هر فرقه و هر کرور و نقشه هر ولایت و هر مکان و دوزندگی گلها و طرح‌ها در روی پارچه‌های نازک و گلابتون‌دوزی، از هر چیز و اقسام نقاشی و کشیدن تصاویر و خوانندگی و رقص و نواختن سازها و سایر کمالات می‌آموزند» (علوی شیرازی، ۱۳۶۲: ۲۲۶). از نکات جالب آن که در همین مؤسسه محلی برای زنان سالمند و رها شده نیز تعبیه شده است: «مکانی است که زنان بی‌شوهر و پیرزنان بی‌کس و بیکار، که در این شهر می‌باشند به حکم مادر پادشاه جمع کرده به این خانه می‌آورند و خرج و اخراجات و مطلق مایحتاج به آن‌ها می‌دهند که آنها تکدی‌نمایند و ویلان و سرگردان نباشند» (علوی شیرازی، ۱۳۶۲: ۲۲۹). سخن علوی شیرازی بعد از دیدن این مکان‌ها و جمعیت «یکهزار و ششصد» نفری آنجا، ستایش‌انگیز است و این توجه و اهتمام به دختران و زنان برای آنها تحسین برانگیز: «به هر حال وصف این خانه و تربیت کردن دخترها و آموختن کمالات آنها از حد تحریر و بیان بیرون است» (علوی شیرازی، ۱۳۶۲: ۲۲۸).

سفرنامه میرزا صالح شیرازی

سفرنامه فرنگ میرزا صالح شیرازی در سال ۱۸۱۹ شمسی نوشته شد و چهار سال طول می‌کشد، از تبریز آغاز می‌شود و در راه به مسکو، سن پترزبورگ و نهایتاً لندن می‌رسد. وی لندن را «ولایت آزادی» نام می‌نهد.

– مکتب‌خانه‌ها، مدارس و دارالشفای لندن

میرزا صالح شیرازی در توصیف مدرسه‌ها و اهتمام بسیار بالای آموزشی آن دیار می‌نویسد که: «مکتب به جهت اطفال و تربیت آنها در لندن لاتعد و لاتحصی» (میرزا صالح شیرازی، ۱۳۸۷: ۴۰۲) است و آنجا را واجد سیستم آموزشی بسیار قوی و گسترده‌ای می‌داند که کودکان را در بر می‌گیرد و در سفرنامه خویش به نحو وافر به آن‌ها می‌پردازد و به شرح آن‌ها می‌نشیند. هم‌چنین او چشمی بر مؤسسات و «خانه‌هایی دارد که ابعادی حمایتی و پوششی بر سر زنان و دختران یتیم دارند و بی‌آنکه به برچسب‌زنی و طرد این

زنان بپردازند، یعنی جامعه حضور و وضعیت نابهنجار آنان را پذیرفته است و اندیشه برای پوشش و حمایت از آنها نموده است. این مؤسسات را «ابنیه بنای خیر» می‌نامد: «او زانی که فقیر و بار حمل داشته، قادر به اخراجات وضع حمل خود نبوده، به بعضی از آن دارالشفاهای رفته، وضع حمل نموده، به امور مشارالیها متکفل و بعد از آن از پی کار خود می‌رود.» (میرزا صالح شیرازی، ۱۳۸۷: ۴۰۶). میرزا صالح شیرازی این توجه و اهتمام را که به پوشش حمایتی برای این زنان تبدیل شده، از وظایف و الزام‌های این خانه‌ها و مؤسسات می‌بیند و برای او جالب و تازه است (میرزا صالح شیرازی، ۱۳۸۷: ۴۰۶).

هم چنین برای دختران بی‌سرپرست از تأسیس مؤسسه‌ای اختصاصی خبر می‌دهد: «جایی است مطلقاً دختران یتیم را تربیت می‌کنند. عمده مطلب از بنیاد این خانه آن که، دختران یتیم فقرا که سرپرست ندارند در آن خانه فرستاده که بدون سرپرست نمانده، مرتکب افعال شنیعه نشوند. هنگام ۹ سالگی اطفال را به خانه فرستاده، زنان چند به تعلیم آنها در خواندن و نوشتن و آموختن و خیاطی و خانه‌داری و لوازمات خانه‌داری گماشته‌اند» (میرزا صالح شیرازی، ۱۳۸۷: ۴۰۵).

- وضعیت خانه‌داری زنان و طرح الگوی زن خانه‌دار

میرزا صالح شیرازی (۱۳۸۷) در پیرامون جایگاه زنان در خانه می‌آورد: «امور خانه و رتق و فتق خانه مطلقاً با زنان است و مردان مطلقاً اطلاعی از خانه و اخراجات خانه ندارند. سرجان ملکم، ایلچی ایران مذکور می‌ساخت که: من در خانه خود محکوم به حکم زن خود هستم و از امور خانه هیچ خبر ندارم» (میرزا صالح شیرازی، ۱۳۸۷: ۴۵۲). میرزا صالح شیرازی که بر اساس ساعات روز به شرح اعمال و کارهای زنان خانه‌دار می‌پردازد و از رفت و آمد و دید و بازدید و خرید بازار آنها می‌نویسد، برای او جالب است که آن جا برای حفظ بهداشت و سلامتی خود، همه خصوصاً زنان به پیاده‌روی و هواخوری با اطفال می‌روند: «هر روزه اعم از اعلی و ادنی و جوانان و پیر و فقیر و غنی، اناث و ذکور به جهت صحت بدن قدری راه می‌روند که قدری هوای تازه به بدن آنها خورده و اطفال خرد را نیز نوکران به گردش برده که به خوبی به خوابند» (میرزا صالح شیرازی، ۱۳۸۷: ۴۵۲). هم چنین از نحوه نشستن زنان بر سر میز غذاخوری که بر صدر و بالای آن جا دارد می‌نویسد و نقش کدبانوی خانه را در مهمانی‌ها شرح می‌دهد. نیز از نکته‌های دیگر در گزارش او، توجه به پاکیزگی و پیوسته لباس‌های تمیز پوشیدن زنان آنجاست: «او هر زن و دختری با جامه‌های پاکیزه آید و هیچ کدام بشقاب و فنجان یک دیگر را صرف نکرده ... هر کدام ظرف علی حده و فنجان علی حده دارند و مشغول به ناهار خوردن می‌شوند ... همه با یک دیگر در نهایت ادب و مذاق گویی» می‌باشند. بعد از ناهار «دختران و زنان به تهیه اسباب خانه و یا به شغلی از مشاغل خانه‌داری مشغول شده. بعضی از دختران به نواختن چنگ و ستار و سازهای متداوله، که نواختن آنها جزء کمال زنان آن‌هاست ... زن صاحب خانه و یا دختر بزرگ او در بالای میز، در صدر نشسته چای و قهوه را درست کرده و به آنها می‌دهد» (میرزا صالح شیرازی، ۱۳۸۷: ۴۵۳).

رعایت بهداشت و تمیزی لباس زنان همان طور که در بالا آمد نکته‌ای است که میرزا صالح شیرازی پیوسته بر آن اشاره دارد و قابل توجه او است. در آنجا زنان به غیر از «زنان پادشاهان» و بزرگان، لباس پوشیدن شان با بقیه تفاوتی ندارد و «الحق لباس زنان انگلند، بهترین لباس کل دنیاست» (میرزا صالح شیرازی، ۱۳۸۷: ۴۶۱). زنان آنجا «همه کمرچین جامه چین در بر کرده، الی پای آنها، و همه زنان اعم از

نوکر و خانم و نجبا و کسبه، کمربندی بسته که در نهایت خوش ترکیبی می‌باشند ... و جوراب و چکمه و کفش در پا کرده» (میرزاصالح شیرازی، ۱۳۸۷: ۴۶۱).

- پیرامون ازدواج و شیوه همسر داری

میرزاصالح شیرازی (۱۳۸۷) در بیان طریق عروسی و همسر یابی اهالی انگلیس در سفرنامه خود به کلی شیوه متفاوتی را بیان می‌کند، که تباین کلی با تجربه زیسته او در سرزمین خود دارد. «در جامعه عهد قاجار، فاصله چندانی بین کودکی و ازدواج دختران وجود نداشت. دختران اغلب از هفت تا سیزده سالگی ازدواج می‌کردند و عملاً به عنوان رکن مستقلی وارد معرکه زندگی خانوادگی می‌شدند» (اسکندری نژادی، ۱۳۸۷: ۲۵).

در این شیوه، ازدواج بر معیار آشنایی و اختیار و پسند طرفین بنا شده است: «مردی که دختری را دیده و پسند کرده، مدت شش ماه و یا یک سال و یا زیاده با یک دیگر آشنایی کرده، بعد از آن، خوی و طبع و رفتار و کردار هم دیگر آشنا با دختر شده، اگر هم دیگر را پسند کرده‌اند، مرد از دختر مزبور سؤال می‌کند، در نهایت ادب که آیا مشارالیها او را به شوهری قبول می‌کند یا نه؟» (میرزاصالح شیرازی، ۱۳۸۷: ۴۶۰). آشنایی و خبر گرفتن از طبع و خوی همدیگر که بر مراودت سرشار از ادب و احترام بنا شده، نکته‌ای است که میرزاصالح شیرازی شرط ازدواج و امکان زوجیت در آنجا می‌بیند، بی‌آنکه اجبار و فشاری بر دختر باشد. برای همین: «اگر دختر مزبوره او را پسندیده است قبول می‌کند و اگر نپسندیده، در نهایت ادب، دست رد به سینه او زده، بعد از آن به کلی ترک آشنایی با هم کرده» (میرزاصالح شیرازی، ۱۳۸۷: ۴۶۰). ساختار شرعی ازدواج بر جای خود در آن سامان وجود دارد برای همین: «اگر هم دیگر را پسندیدند، به اتفاق یک دیگر به کلیسارفته، بعد از آن که در نزد کشیش عقد آنها را بسته»، و در ادامه و شاید به تعبیر آن چه امروز ماه عسل برای زوجین می‌گویند: «از کلیسا بیرون می‌روند و سوار گاری شده از شهر بیرون رفته، مدت یک ماه و یا بیشتر در خارج شهر مانده، بعد از آن برگشته» (میرزاصالح شیرازی، ۱۳۸۷: ۴۶۰). شیوه‌ای که میرزاصالح شیرازی در مشاهدات خود و سفرنامه‌اش در دو قرن پیش بیان می‌کند، بر فردیت و احترام به انتخاب همسر و شکل‌گیری خانواده هسته‌ای وابسته و برای او جدید است و مورد توجه و تأیید، و از آن استقبال می‌کند و نتیجه می‌گیرد: «و اکثر مردمان با زنان در نهایت محبت و دوستی و وفاداری رفتار می‌کنند» (میرزاصالح شیرازی، ۱۳۸۷: ۴۶۰). مهم‌تر از آن میرزاصالح شیرازی نتیجه چنین آزادی و خودمختاری زنان را پاکی و دوری آنها از اعمال ناشایست می‌بیند.

- تربیت کودکان و دختران

میرزاصالح شیرازی (۱۳۸۷) آموزش و تربیت کودکان را در انگلستان به وقت توانایی صحبت کردن می‌بیند: «اولاً که طفل بنای حرف زدن می‌گذارد، حروف الف بی را به او تعلیم کرده» (میرزاصالح شیرازی، ۱۳۸۷: ۴۵۸) و این استمرار دارد تا به سن هفت سالگی تا فرد قادر به نوشتن و خواندن به شود، یعنی: «هنگامی که به سن چهار پنج ساله می‌رسند، به الطاف و مهربانی، هر روزه آنها را درس داده که در سن هفت سالگی هر طفلی قادر به خواندن کتاب و نوشتجات است» (میرزاصالح شیرازی، ۱۳۸۷: ۴۵۸). پس از این هنگام: «اگر دخترند در مکتب زنانه و اگر پسرند در مکتب مردانه می‌گذارند» (میرزاصالح شیرازی، ۱۳۸۷: ۴۵۸). میرزاصالح شیرازی این دوره جدید را «هفت هشت سال» می‌گوید و حاصل آن را برای طفل پسری که پانزده ساله در لوای این تعلیمات می‌باشد این می‌داند: «اولاً از تاریخ کل دنیا با خبر

است و ثانیاً در زبان لاتین و فرانسه و انگریز و گریک و نقاشی و رقاصی و برخی از ریاضی ماهر است» (میرزاصالح شیرازی، ۱۳۸۷: ۴۵۸) و همین را برای تربیت دختران می‌بیند و می‌نویسد دختران در این دوره: «فوراً به مکتب‌خانه فرستاده، هم زبان‌های انگلیسی خواندن و نوشتن و بعد فرانسه و ایتالیایی متعددی می‌آموزند و هم خیاطی و آداب خانه‌داری و طریقه رفتار با شوهران و منسوبان» (میرزاصالح شیرازی، ۱۳۸۷: ۴۵۹) را تعلیم می‌دهند.

میرزاصالح شیرازی (۱۳۸۷)، علت این سعی و جدیت بالا در تربیت فرزندان را این می‌داند که ایشان: «لذت علم و کمال را دریافته، خود مادام حیات سعی در تحصیل کمال نموده، نفس خود را ترقی می‌دهند» (میرزاصالح شیرازی، ۱۳۸۷: ۴۵۹). جالب اینکه این تلاش را گونه‌ای اجبار و فشار اجتماعی می‌بیند که بر آن «اهالی» شکل گرفته است، خصوصاً این ترقی در تربیت و آموختن معیاری برای انتخاب دختران هنگام ازدواج شده است که باز برای میرزاصالح شیرازی، در نسبت به جامعه خود و شیوه همسرگزینی آنجا، شگفتی آور و تحسین‌آمیز است. «مثلاً هر جوانی که داخل مجالس چند می‌شود و به امثال و اقران صحبت دارد، البته باید نفس خود را ترقی داده، از همگنان برتری داشته، در نظر آنها خفیف نباشد. هم چنین هر جوانی که در مجالس دختری را ببیند و می‌خواهد به عقد خود درآورد، البته سعی می‌کند که کمالات صوری و معنوی خود را، اولاً به نظر دختر مزبور جلوه داده، چنان که دختران نیز چنین جلوه و رفتار می‌کنند... دختری که می‌خواهد در نظر مردان جلوه کند باید در منظر آنها کمالات او جلوه کند» (میرزاصالح شیرازی، ۱۳۸۷: ۴۶۰) و در کل میرزاصالح این را نتیجه به کل مراودات و روابط زن و مرد می‌دهد: «بالجمله در مجالس انگریزی، همه، زن و مرد، در جلوه دادن کمالات خود سعی هستند و هر کدام از زن و مرد در مجالس، نوعی رفتار می‌کنند که محبوب‌القبوب همه گردند» (میرزاصالح شیرازی، ۱۳۸۷: ۴۶۰).

بحث و نتیجه‌گیری

در این تحقیق تلاش شد سه سفرنامه از ایرانیان به فرنگ قرن بیستم و بیست و یکم به تصویرپردازی و معرفی چهره زن غربی می‌پردازند، مورد بررسی قرار گیرد. این سفرنامه‌ها عبارتند از: ۱. تحفه العالم از میر عبدالطیف شوشتری (۱۳۶۳)، ۲. دلیل السفر از میرزا محمد هادی علوی شیرازی (۱۳۶۲)، ۳. ولایت آزادی از میرزاصالح شیرازی (۱۳۸۷). این سفرنامه‌ها برای ایرانیان و فارسی‌زبانان از نخستین متون و از اولین آشنایی‌ها و رویارویی‌های آنها با تجدد و جهان جدید می‌باشند. بازتابی از نخستین تصویر و چهره زن عصر جدید و مدرن برای ایرانیان در جامعه قاجاری است. این تصاویر اکنون در شناخت تاریخ اجتماعی زنان ایران سهمی مهم را به خود اختصاص می‌دهند. آن چه توانست برای مخاطبان ایرانی به مسأله‌مند شدن و رؤیت‌شدگی زنان در جامعه قاجاری منتج شود، به واسطه طرح و چهره‌پردازی بود که از این آثار نشأت می‌گرفت و مورد توجه مخاطبان قرار می‌گرفت.

بر اساس این تحقیق نشان داده شد که این سفرنامه‌ها در زمینه زنان فقط به تصویر زن فرنگی پرداختند، بلکه به صورت ارزشی همراه خود به معرفی الگوهای جدیدی از ازدواج و همسریابی و حضور اجتماعی زنان در جامعه پرداختند. توجه به آموزش و پرورش دختران، چه در سطح سوادآموزی و چه در سطح علم آموزی و نیز نهادها و مؤسساتی که در حول و حوش زنان و مسائل اجتماعی آنها در فرنگ شکل می‌گرفت و به حل آنها مشغول بودند و جامعه ایرانی هرگز به آنها توجه نداشت. این سفرنامه‌ها در سطحی

بالا تر به بیان توانمندی و خودمختاری زنان که شرط سوژگی آنان بود، اشاره داشتند. در این سفرنامه‌ها برای اولین بار با فاصله‌ای بسیار متفاوت از ادبیات سنتی پیرامون زنان با زبانی ساده و فارغ از تکلفات مرسوم پرداخته شده است. بررسی تجربه پدیدارشناسانه‌ای که از این آثار هویدا می‌شود، نیز از نکات قابل توجه است. این سفرنامه‌ها با توجه به موقعیت راوی و بر اساس تجربه زیسته و موقعیت‌مندی خود، هر کدام واجد فهمی متفاوت از زن فرنگی می‌گردند. هر سه سفرنامه‌نویسان با درک جدیدی از مفهوم زن که دیگر «ضعیفه» نیست، روبه‌رو می‌شوند. زن فرنگی را هر سه در آثارشان واجد توانایی و توانمندی و آنچه امکان سوژگی می‌باشد، می‌یابند. مابه‌ازای این فهم را در تفاوت ارزشی خود در سفرنامه تحفه‌العالم «قیح» بودن و قباح و دلیل السفرا، «بی‌عصمتی و ضایع روزگاری» و در ولایت آزادی «کمال و پاکی» و زیبایی می‌بینیم. نکته‌ای که می‌توان در پیرامون مفهوم قباح و «امر قیح» در سفرنامه عبدالطیف شوشتری (۱۳۶۳) گفت آن است که، از لحاظ بسامد ارزشی با بی‌عصمتی و بی‌عفتی که علوی شیرازی (۱۳۶۲) برای توصیف مشاهدات خود پیرامون زنان به کار می‌برد، متفاوت است و از آن فاصله دارد. اما بی‌تردید نوعی قضاوت منفی ارزشی پیرامون رفتار و امور مورد مشاهده است که در نزدیک آن قرار می‌گیرد. این سه تجربه پدیداری متفاوت که در سفرنامه‌ها به پدیدارشناسی آنها پرداخته شد، ربط وثیقی با الگوپردازی مفهوم زن مدرن برای ایرانیان، در نسبت با سودای توانمندی و سوژگی آنان دارد و بر سازنده سه فهم جدید از مفهوم زن مدرن و غربی می‌باشد.

منابع

- آبادیان، حسین. (۱۳۷۰). *بحران آگاهی و تکوین روشنفکری در ایران*. تهران: کویر.
- آدمیت، فریدون. (۱۳۵۱). *اندیشه ترقی و حکومت قانون در عصر سپهسالار*. تهران: انتشارات خوارزمی.
- اسکندری نژادی، نازلی. (۱۳۸۷). *زن ایرانی و عصر روشنگری*. تهران: انتشارات زیبا.
- اسمیت، دیوید. اسمیت، ودراف. *پدیدارشناسی (دانشنامه فلسفه استنفورد)*. ترجمه مسعود علیا. (۱۳۹۳). چاپ اول، تهران: انتشارات ققنوس
- اصفهانی، ابوطالب. (۱۳۶۱). *مسیر طالبی*. به کوشش حسین خدیو جم. تهران: انتشارات علمی فرهنگی.
- افشار، میرزامصطفی. (۱۳۴۹). *سفرنامه خسرو میرزا به پطرزبورغ*. به کوشش محمد گلبن. تهران: مستوفی.
- افشار قزوینی، میرزا حبیب اله. (۱۳۸۰). *سفرنامه سیف الملک به روسیه*. به کوشش محمد گلبن. تهران: مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی.
- ایلچی، ابوالحسن خان. (۱۳۶۴). *حیرت نامه*. به کوشش حسن مرسل وند، تهران: انتشارات رسا.
- باغدار دلگشا، علی. (۱۳۹۶). *آداب مردی و تربیت نسوان*. چاپ اول، تهران: نشر و پژوهش شیرازه.
- بهنام، جمشید. (۱۳۸۶). *ایرانیان و اندیشه تجدد*. چاپ سوم، تهران: نشر فرزانه روز.
- توکلی طرقي، محمد. (۱۳۹۶). *تجدد بومی و بازانديشی تاریخ*. چاپ اول، تهران: انتشارات کتاب ایران نامک.
- حجازی، بنفشه. (۱۳۸۵). *تاریخ هیچکس (بررسی جایگاه زن ایرانی در عصر افشاریه و زندیه)*. چاپ اول، تهران: قصیده سرا.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۹۰). *با چراغ و آینه (در جستجوی ریشه‌های تحول شعر معاصر ایران)*. تهران: سخن.

- شوشتری، میرعبدالطیف. (۱۳۶۳). *تحفه العالم*. به کوشش صمد موحد، چاپ اول، تهران: کتابخانه طهوری.
- علوی شیرازی، ابوالحسن. (۱۳۶۲). *سفرنامه میرزا ابوالحسن شیرازی (ایلچی) به روسیه*. به کوشش محمد گلبن، چاپ اول، تهران: دنیای کتاب.
- شیرازی، میرزا صالح. (۱۳۸۷). *سفرنامه‌ها*. به کوشش غلامحسین صالح یار، تهران: نشر نگاه معاصر.
- طباطبائی، جواد. (۱۳۸۵). *تأملی درباره ایران (مکتب تبریز و مبانی تجدیدخواهی)*. تبریز: انتشارات ستوده.
- طباطبائی، جواد. (۱۳۸۶). *تأملی درباره ایران (نظر حکومت قانون)*. تبریز: انتشارات ستوده.
- عاملی رضایی، مریم. (۱۳۸۹). *سفرنامه به گل (سیر تحول جایگاه زن در نشر دوره قاجار ۱۲۱۰-۱۳۴۰)*. چاپ اول، تهران: نشر تاریخ ایران.
- قانون پرور، محمدرضا. (۱۳۸۴). *در آینه ایرانی (تصویر غرب و غربی‌ها در داستان ایرانی)*. مهدی نجف زاده. تهران: فرهنگ گفتمان.
- کدی، نیکی. *ایران دوران قاجار و برآمدن رضاخان*. ترجمه مهدی حقیقت‌خواه. (۱۳۸۷). چاپ سوم، تهران: انتشارات ققنوس.
- کراچی، روح‌انگیز. (۱۳۹۰). *هشت رساله در بیان احوال زنان، از ۱۰۰۰ تا ۱۳۱۳ هجری قمری*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- گرمودی، عبدالفتاح. (۲۵۳۶). *شرح مأموریت آجودان باشی*. تهران: انتشارات اشرفی.
- گیدنز، آنتونی. *جامعه‌شناسی*. ترجمه منوچهر صبوری. (۱۳۷۷). چاپ چهارم، تهران: نشر نی.
- مارتین، ونسا. *دوران قاجار (چانه زنی، اعتراض و دولت در ایران قرن نوزدهم)*. ترجمه افسانه منفرد (۱۳۸۹). تهران: انتشارات کتاب آمه.
- محمدپور، احمد. (۱۳۹۲). *روش تحقیق کیفی ضد روش (منطق و طرح در روش‌شناسی کیفی)*. تهران: جامعه‌شناسان.
- معتمدزفولی، فرامرز. (۱۳۹۱). *تاریخ اندیشه جدید ایرانی (سفرنامه‌های ایرانیان به فرنگ)*. چاپ اول، تهران: نشر شیرازه.
- میلانی، عباس. (۱۳۸۱). *تجدد و تجدیدستیزی در ایران*. تهران: اختران.
- نجم‌آبادی، افسانه. (۱۳۹۶). *زنان سیبیلو و مردان بی ریش (نگرانی‌های جنسیتی در مدرنیته ایرانی)*. ترجمه آتنا کامل و ایمان واقفی، چاپ دوم، تهران: انتشارات تپسا.

Phenomenological Study Of Women Features In The Iranian Itineraries

F. Motamad Dezfouli*
H. Mohaddesigilvai**
A. Zahed***

Abstract

The research goal was the phenomenological study of women features in the Iranian itineraries to Europe at two centuries ago. The statistical population consisted of Iranian travelogues who visited Europe and based on literary history, three travelogues of Mir Abdul Latif Shooshtari (1805), Mirza Asalah Shirazi (1815) and Mirzahadi Alavi Shirazi (1813) were selected as the sample. The research design was descriptive-analytical that qualitative method and a phenomenological approach were applied. These itineraries were representation of Iranians first encounter to the new world. Representing the new age women pictures was one of the most important cognitive elements of such itineraries. The Qajarid society knew no image but Iranian traditional woman, while these itineraries, paved the pavement for the women acquaintance and their cultural and social presence in that society on the constitutional age by introducing and portraying the modern woman. These itineraries, besides introducing the "European women", described the changes in women's role, and their spouse finding methods as well as the changes in the families' structure and the women problems, and seriously concentrated on the ability of modern women versus traditional women. As each of the itinerants found this ability in a triplet of "flagrancy", "unchastity", and "perfection", according to their lived and phenomenological experience. They saw the new women models, who had reached of being subject and independent, carrying one of these valuations in their phenomenological experience, and reflected it in their itineraries.

Keywords: phenomenological, women features, itineraries, Iranian.

* PhD Candidate in Cultural Sociology, Tehran Center Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

** Assistant Professor, Department of Sociology, Tehran Center Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. (Corresponding Author, Email: mohaddesi2011@gmail.com)

*** Assistant Professor, Department of Islamic Philosophy and Theology, Dezfoul Branch, Islamic Azad University, Dezfoul, Iran.